

ارزشیابی موجودیها

ترجمه و تلخیص: معصومه علوی

مقدمه

موجودیهای جنسی، بخش مهمی از دارائی اکثر واحدهای تجاری را تشکیل می‌دهند، بنابراین نحوه ارزشیابی و انعکاس آنها در صورتهای مالی تأثیر بسزایی در تعیین وضعیت مالی و نتایج عملیات واحد تجاری دارد.

موجودیها از نقطه نظر طبقه‌بندی حسابداری، دارائیهایی هستند که در یک مقطع زمانی خاص به شکل کالاهایی در مالکیت واحد تجاری است و به منظور فروش در آینده یا استفاده در تولید نگهداری و در صورتهای مالی تحت سرفصل دارائی جاری نشان داده می‌شوند. در اکثر واحدهای تجاری، موجودیها، بخش قابل ملاحظه‌ای از دارائیهای جاری و حتی کل دارائیهای آنها را تشکیل می‌دهند. بعلاوه موجودیها به این دلیل که به طور دائم مصرف و جایگزین می‌گردند به عنوان یک دارائی فعال، پویا و با گردش بسیار محسوب می‌شوند. با توجه به اهمیت این نوع دارائی، ارزشگذاری آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. موجودیها شامل کالاهای تجاری، مواد خام، ملزومات، کار در جریان و کالای ساخته شده‌اند.

اصلی‌ترین اهداف حسابداری موجودیها، عبارتند از: کوشش در جهت تطابق هزینه‌ها و درآمدهای مربوطه به منظور محاسبه سود خالص و همچنین تعیین ارزش موجودی کالای

واحد تجاری برای انتقال به دوره‌های آتی در چارچوب حسابداری سنتی و ارائه اطلاعاتی به منظور کمک به سرمایه‌گذاران و بستانکاران و سایر استفاده‌کنندگان بالفعل و بالقوه در پیش‌بینی جریانهای نقدی آتی واحد تجاری.

هیأت تدوین استانداردهای حسابداری مالی (FASB) در بیانیه شماره ۳۳ اعلام کرد که: «هدف اصلی در انتخاب روش مناسب برای ارزشگذاری موجودیها، قبول روشی است که در شرایط موجود، سود دوره مالی را به بهترین نحو ممکن منعکس سازد».

یکی از اهداف تئوری حسابداری، یافتن راه‌هایی است که از طریق آن بتوان موجودیها را بهتر اندازه‌گیری نموده و اطلاعات مناسبتری در صورتهای مالی ارائه کرد، تا بتوان از آنها به عنوان مبنایی صحیح جهت تصمیم‌گیریهای اقتصادی استفاده نمود.

اگر چه مسأله کنترل فیزیکی موجودیها برای واحد تجاری دارای اهمیت بسیاری است اما این مسأله و موضوع تغییرات در سطح قیمتها مورد بحث این مقاله نیست. در این مقاله شیوه‌های مختلف برخورد با اندازه‌گیری موجودیها صرفاً با تأکید بر مسأله اندازه‌گیری ریالی موجودیها جهت گزارشگری مالی خارجی مطرح می‌شود.

صورت‌های مالی برای مقاصد عمومی^۱

صورت‌های مالی به منظور کمک به طیف وسیعی از اشخاص ذینفع که از آنها در امور تحلیلی و پیش‌بینی‌های یاری می‌جویند، و همچنین جهت ارزیابی عملکرد وضعیت مالی واحد تجاری، تهیه می‌شوند. یعنی کسانی که می‌خواهند از دورنمای واحد تجاری از لحاظ سودآوری، رشد و توان مالی آگاه شوند. سرمایه‌گذاران به رقم کلی سود خالص به عنوان معیاری از عملکرد و همچنین تداوم فعالیت توجه دارند و این روش را در مقایسه با ارزیابی یکایک دارائیه‌ها روش بهتری می‌دانند. در اینجا تأکید بر صورتهای مالی برای مقاصد عمومی است و تا زمانی که هدف، تهیه اینگونه صورتهای مالی است، تلاش برای دستیابی به یک روش مناسب جهت اندازه‌گیری موجودیها به منظور پاسخگویی به نیازهای استفاده‌کنندگان

موجودیها به منظور پاسخگویی به نیازهای استفاده کنندگان مذکور، اجتناب ناپذیر است. حسابداران سه راه اساسی برای مواجهه با این موضوع مطرح کرده اند:

راه اول: گزینش بهترین روشی که در آن تعبیر و تفسیر کمتر دخالت داشته باشد. البته با این عمل پیچیده نباید بیش از اندازه سهل و آسان برخورد شود، زیرا احتمال دارد خواسته‌ها و توقعاتی را که از افشا کامل انتظار می‌رود، جوابگو نباشد.

راه دوم: بخاطر روشهای اندازه‌گیری گوناگونی که برای مقاصد مختلف وجود دارد، هیچیک از صورتهای مالی جدای از یادداشتهای پیوست نمی‌تواند هدفهای گزارشگری اساسی را برآورده کند. نیازهای اطلاعاتی گوناگون ممکن است فقط توسط صورتحسابهای چندگانه^۱ برآورده شود، زیرا این صورتحسابها بین مبانی مختلف اندازه‌گیری تمایز قائل شده و به وضوح، دقت و عینیت اندازه‌گیریهای ارائه شده را درجه‌بندی می‌کند.

دو تن از اعضای کمیته استانداردها و مفاهیم "A. A. A" متز^۲ و زلاتکویچ^۳ طرفدار روش صورتحساب چندگانه هستند. آنها به این نتیجه رسیدند که صورتهای مالی برای مقاصد عمومی، که استفاده کنندگان آن را با هدفهای مختلف مورد مطالعه قرار می‌دهند، باید به وضوح نشان دهنده انواع روشهای اندازه‌گیری موجودی، به منظور فراهم نمودن شرایط افشای کامل باشد.

راه سوم: بکارگیری یک سری صورتهای مالی مجزا (منفرد)^۴ برای مقاصد مختلف که همراه با تفسیر و افشای کامل نیز باشد.

فیومین^۵، هیپورث^۶، هورنگرن^۷ و ویکسون^۸، چهار نفر از اعضای کمیته فوق‌الذکر که با

1- Multiple Statements.

2- Mautz

3- Zlatkovich

4- Single set of Financial Statements

5- Firmin

6- Hepworth

7- Horngren

8- Wixon

شیوه صورت‌حساب منفرد موافق بودند، ترجیح می‌دادند که یک صورت‌حساب همه منظوره در پاسخ به نیازهای اطلاعاتی موجود، تهیه شود تا اینکه یک سری صورت‌حساب با مخارج اضافی در پاسخ به یک تقاضای نامشخص تهیه گردد. همچنین آنها عقیده دارند که روش صورت‌حساب چندگانه بیش از منافع احتمالی‌اش منجر به افزایش آشفتگی و از بین رفتن اعتماد عمومی می‌شود. علاوه بر این، آنها معتقدند که می‌توان حداقل دو روش اندازه‌گیری را در یک سری صورت‌حساب واحد (منفرد) گنجانند.

مبانی ارزیابی موجودیها

روشهای متعددی برای اندازه‌گیری ارزش موجودیها وجود دارد که ضرورت‌های تئوریک را برآورده می‌سازد. اندازه‌گیری موجودیها باید هم‌میزان خدمات بالقوه مورد انتظار (مطلوبیت اقتصادی) و هم تصویری که صورت سود و زیان و ترازنامه را به نحوی سودمند منعکس سازد، را ارائه کند.

همانطور که ذکر شد، یکی از مهمترین اهداف اندازه‌گیری موجودیها، ارائه اطلاعاتی است که به سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی این امکان را می‌دهد که جریانهای نقدی آتی واحد تجاری را پیش‌بینی کنند. اندازه‌گیری موجودیها که منعکس‌کننده خالص وجوه مورد انتظار دریافتی در آینده است، می‌تواند برای پیش‌بینی جریانهای نقدی آتی مورد استفاده قرار گیرد.

اگر رقم داراییها نشان دهنده ارزشهای فعلی جریانهای ورودی نقد مورد انتظار در آینده باشد، ایده‌آل است. اندازه‌گیری ارزشهای قابل قبول برای موجودیها و بهای تمام شده کالای فروش رفته با دو مسأله مرتبط است:

۱- بهای تمام شده یک واحد موجودی، که در واقع تعیین بهای تمام شده مناسب برای ارزشگذاری ارقام موجودیهاست.

مبانی اصلی ارزشیابی موجودیها عبارتند از:

الف - بهای تمام شده

ب - انحراف از مبنای بهای تمام شده، شامل:

- اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار

- ارزش جایگزینی یا ارزش بازار

- خالص ارزش بازیافتنی

۲- جریان گردش موجودیها، که در واقع انتخاب یکی از روشهای مربوط به جریان گردش

موجودیهاست.

روشهای اصلی جریان گردش موجودیها عبارتند از:

الف - روش اولین صادره از اولین وارده

ب - روش اولین صادره از آخرین وارده

ج - روش میانگین

د - روش شناسایی ویژه

بهای تمام شده تاریخی^۱

همانطور که قبلاً ذکر شد، ارزشگذاری موجودی باید متضمن مقادیر خدمات بالقوه مورد انتظار باشد. این مسأله که دارائیهها، ارزشهای فعلی جریانهای ورودی نقد مورد انتظار آتی را نشان دهند، مطلوب است. حسابداران برای اینکه بتوانند موجودیها را به نحو صحیح ارزشگذاری نمایند، هزینه‌های تحصیل را به عنوان حد بالای این ارزشهای فعلی به کار گرفته، یعنی خدمات مورد انتظار آنها باید مساوی یا بیشتر از خدماتی باشد که بر اساس هر روش ممکن دیگری به دست می‌آید.

بنابر این بهای تمام شده تاریخی، اندازه‌گیری خدمات بالقوه مورد انتظار، در تاریخ تحصیل دارایی است.

اعتبار بهای تمام شده تاریخی که بیانگر ارزشهای ورودی منابع تحصیل شده در تاریخ تحصیل یا استفاده در فرایند تولید می‌باشد، از نظر زمان متعلق به گذشته است و بر اساس رویدادهای واقعی اندازه‌گیری می‌شود.

بنابر این، بهای تمام شده تاریخی جنبه عینی دارد و قابل اثبات و تأیید است و می‌تواند مبنایی برای ارزشهای خروجی هم باشد. استفاده از این روش در مؤسساتی که گردش کالا سریع، سود و زیان نگهداری موجودی^۱ بی‌اهمیت و جزئی است، امکان اندازه‌گیری عینی سود و زیان نگهداری وجود ندارد و قیمت‌های ویژه واحدهای موجودی نسبتاً ثابت هستند، به عنوان روشی برای ارزشگذاری و تعیین وضعیت مالی و نتایج عملیات واحد تجاری رضایتبخش است.

انتقاد اصلی از بهای تمام شده تاریخی تعدیل نشده این است که رویدادهای مهم را در طی دوره نگهداری یا تبدیل شناسایی نمی‌کند و گذشت زمان سودمندی آن را از بین می‌برد. همچنین تغییرات ناشی از قدرت خرید پول را شامل نمی‌گردد و همین طور تغییرات ناشی از قیمت‌های خاص کالاها را هم در نظر نمی‌گیرد، بنابر این بدرد تصمیم‌گیری نمی‌خورد.

در ارتباط با ارزشگذاری عملیات جاری نیز دارای مفهوم مناسبی نیست زیرا بهای تمام شده بر اساس قیمت‌های تاریخی است ولی فروش به ارزش جاری صورت می‌گیرد. محاسبه بهای تمام شده در بسیاری موارد مستلزم تخصیص هزینه‌های مشترک است و حتی بهترین روش‌های تخصیص در انعکاس این هزینه‌ها ناموفق‌اند. بسیاری از افراد، روشها و ترکیبات مربوط به مفروضات جریان هزینه‌ها را برای تقسیم بهای تمام شده کالای آماده برای فروش، بین بهای تمام شده کالای فروش رفته و موجودیهای پایان دوره، به کار می‌برند. بسیاری از این مفروضات منطقی هستند، اما به دلیل اینکه بخش عمده موجودیها مربوط به ارزشهای حاکم بر عملکرد دوره گذشته است، روش «اولین صادره از آخرین وارده» در بیشتر موارد قابل قبول نیست و وضعیت مالی جاری را به نحو صحیح نشان نمی‌دهد بخصوص زمانی که قیمت‌های جایگزینی برای مدت طولانی تغییر نکرده است. طرفداران روش «اولین صادره از آخرین وارده» معتقدند که این روش بهای تمام شده کالای فروش رفته را به قیمت‌هایی جاری‌تر از سایر روش‌های بهای تمام شده تاریخی، تعیین می‌کند.^۲ روش «ارزش جایگزینی» که بعداً مورد

1- Holding Gains and Losses

2- A. A. A. Committee on Concept and Standards, Supplementary Statement, No. 6,

بحث قرار می‌گیرد، مزایای روش اولین صادره از آخرین وارده را نیز دارد.

ارزشیابی موجودیها به مبلغی کمتر از بهای تمام شده تاریخی^۱

برخی از رویدادهای دوره «نگهداری» یا «تبدیل» ممکن است باعث کاهش ارزش هزینه تحصیل گردند. به همین دلیل انحراف از اصل «بهای تمام شده موجودیها» پذیرفتنی است. اظهار نظر زیر تأکیدی است بر بکارگیری قاعده اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار.^۲ در مواردی که قابلیت استفاده یا سودمندی کالایی کمتر از بهای تمام شده آن است، انحراف از اصل بهای تمام شده در قیمت‌گذاری مجاز شناخته شده است. در مواردی که بنا به دلایلی ارزش قابلیت استفاده از کالاهایی در مصارف معمول آنها طی جریان عادی تجاری اعم از این که مربوط به خرابی، نابابی، تغییر قیمتها، از مد افتادگی و یا علل دیگر باشد، کمتر از بهای تمام شده است مابه‌التفاوت باید به عنوان هزینه دوره جاری تلقی گردد. این عمل معمولاً از طریق ارزشگذاری این گونه کالاها به قیمتهای پایین‌تر از آنچه که معمولاً «قیمت بازار» نامیده می‌شود، صورت می‌گیرد.^۳

اصطلاح «قیمت بازار» در این عبارت به معنای «ارزش جاری جایگزینی» اعم از خرید یا تولید مجدد است که به مبالغ حداکثر (حدّ بالا) و حداقل (حدّ پایین) به شرح زیر محدود می‌شود:

۱- حداکثر (حدّ بالا): قیمت بازار نمی‌تواند از قیمت فروش برآوردی پس از کسر هزینه‌های تکمیل و فروش (ارزش خالص بازیافتنی) تجاوز کند.

۲- حداقل (حدّ پایین): عبارت است از مبلغ حداکثر (حدّ بالا) پس از کسر مبلغی به عنوان سود متعارف. بنابراین کاهش ارزش دارائی بر اساس مدارک و شواهد کافی مشخص و

"Inventory Pricing and Changes in Price Levels", Accounting Review, 1954. PP. 163-193.

1- Downward Adjustments of Acquisition

2- Lower of Cost or Market Price Rule.

3- Accounting Research and Terminology Bulletins, Final Edition, Chap, 4, P. 30.

عینی در مورد از دست دادن قدرت ایجاد درآمد صورت می‌گیرد که در این صورت قابلیت فروش در سطح قیمت‌های اولیه مورد انتظار کمتر از سطح قیمت‌های زمان تحصیل می‌گردد. به عبارت دیگر زیان ناشی از نقصان مطلوبیت طی دوره نگهداری یا تبدیل موجودی حاصل شده است.

این روش مبتنی بر اصل محافظه کاری است و مورد قبول بسیاری از صاحب‌نظران حسابداری قرار نگرفته است. به اعتقاد آنها، این روش سود خالص دوره جاری را کمتر از میزان واقعی و سود خالص دوره بعد را بیشتر از میزان واقعی نشان می‌دهد. همچنین این گروه معتقدند که این روش زیان نگهداری را شناسایی می‌کند ولی سود نگهداری را شناسایی نمی‌کند. دواره برای تفسیر این مسأله وجود دارد:

راه اول: تفسیر مبتنی بر عقیده اقتصاددانان است. اقتصاددانان کاهش بهای تمام شده را با هزینه فرصت توجیه می‌کنند و معتقدند که رویدادهای پس از تحصیل دارائی، هزینه فرصتی پایین‌تر از بهای تمام شده تاریخی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، اقلام مورد بحث را می‌توان در تاریخ ترازنامه به قیمتی پایین‌تر از زمان خرید واقعی بدست آورد.

در این تفسیر، نیازی به برآورد تغییرات در قیمت‌های فروش (تقاضا) نیست و صرفاً بر تغییرات در قیمت‌های جایگزین (عرضه) تأکید می‌شود. بنابراین، هیچ ارتباطی با تغییرات در درآمد مورد انتظار (قیمت‌های فروش) ندارد. حتی اگر ارزش فعلی جریان درآمد مورد انتظار کاهش نیافته باشد. در نتیجه فزونی هزینه تحصیل بر هزینه فرصت، خرید موجودی جدید منجر به زیان خواهد گردید. این نوع زیان گاهی فرصت نامیده می‌شود. این طرز استدلال را می‌توان برای صورت سود و زیان و ترازنامه نیز بکار برد.

راه دوم: تفسیر متداولی است که از روش اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار وجود دارد، و بر اساس آن عامل تعیین کننده برای ارزشگذاری موجودی، درآمد مورد انتظار می‌باشد. به عبارت دیگر، در صورتی که ارزش جایگزینی کمتر نباشد، هزینه تحصیل به عنوان ارزش فعلی پذیرفته می‌شود.

ارزش جایگزینی عموماً بیانگر کاهش تدریجی ارزش فعلی فروش نسبت به موجودیها و منافع اقتصادی مورد انتظار می‌باشد. روش درآمد مورد انتظار، ارزش جاری جایگزینی را به

عنوان ارزش بازار (در چارچوب برخی محدود کننده‌ها) در نظر می‌گیرد و به طور کلی فرض می‌شود که قیمت‌های فروش با ارزش جایگزینی تفاوت دارد، البته این فرض همیشه معتبر نیست.

بنابر این، تغییر قیمت‌ها طی دوره نگهداری یا تبدیل، روش‌های گوناگونی را در حسابداری برای برخورد با موضوع منتفی شدن اهمیت بهای تمام شده (کاهش سودمندی بهای تمام شده) مطرح کرده است.

اقل قیمت تمام شده یا بازار به طور گسترده‌ای به کار گرفته می‌شود زیرا کاهش در ارزش جایگزینی پایین‌تر از هزینه تحصیل، شواهدی از «زیانهای فرصتی»^۱ یا کاهش در قابلیت فروش بالقوه نسبت به قیمت‌های اولیه مورد انتظار فراهم می‌نماید و بر عکس، افزایش در ارزش جایگزینی باعث خواهد شد بهای تمام شده تاریخی به سمت بالا، اصلاح گردد.

قاعده اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار زمانی مطرح گردید که بر رعایت اصل محافظه کاری در تهیه و تنظیم ترازنامه تأکید می‌شد. این قاعده معرف یکی از ضوابط کلی و سنتی حسابداری است که بر اساس آن هیچ سودی را نباید قبل از این که تحقق یابد، در حسابداری شناسایی و ثبت کرد، اما هرگونه زیان احتمالی باید مد نظر قرار گیرد. این روش در مورد کاهش قیمت‌هایی قابل اعمال است که واقعاً رخ داده باشد و نمی‌توان آن را در مورد کاهش قیمت‌هایی که در آینده ممکن است رخ دهد، مورد عمل قرار داد.

بنابر این تنها زیانهای واقعی ناشی از کاهش قیمت موجودیها که قابلیت اندازه‌گیری عینی دارند، را باید در محاسبات سود خالص دخالت داد و زیانهای احتمالی آتی را نباید شناسایی و اندازه‌گیری کرد.

ارزش جایگزینی^۲

حسابداران در اندازه‌گیری موجودیها، زیانهای نگهداری را بنا به اصل محافظه کاری در

1- Opportunity Loss.

2- Replacement cost.

نظر می‌گیرند، ولیکن این زیانها به طور جداگانه گزارش نمی‌شوند (بجز در مواردی که زیانهای عمده غیر عادی رخ داده باشد) و سودهای نگهداری معمولاً تا موقع فروش گزارش نمی‌شوند. این مسأله، اندازه‌گیری به موقع و صحیح عملکرد واحد تجاری را به تأخیر می‌اندازد. فرض مربوط به جریان هزینه‌ها، روش اولین صادره از اولین وارده و روش اولین صادره از آخرین وارده، هیچکدام سود و زیانهای نگهداری را مشخص نمی‌کنند. برای مثال روش اولین صادره از اولین وارده، سود نگهداری و روش اولین صادره از آخرین وارده، اثرات تغییر قیمتها را در صورت سود و زیان نشان نمی‌دهد.

هنگامی که اندازه‌گیری معقول باشد، به وضوح مشاهده می‌گردد که تفکیک سود و زیان نگهداری (ناشی از تصمیمات برنامه‌ریزی و کنترل موجودی) و سود و زیان معاملات^۱ (ناشی از معاملات کالاها و خدمات به تفکیک جایگزینی)، بیش از ترکیب معمول آنها برای اندازه‌گیری سود ناخالص مفید خواهد بود و این موضوع در ارزیابی عملکرد واحد تجاری و چشم انداز آن حائز اهمیت است.

مدیریت موجودیها، فقط مربوط به تداوم منظم و هماهنگ فعالیتهای تولیدی و فروش و نیز جلوگیری از توقف عملیات به علت کمبود موجودیها می‌باشد. مدیران سعی می‌کنند که حد مطلوبی از منابع مالی خود را صرف خرید موجودیها کنند تا توازن بین هزینه‌های سفارش و نگهداری موجودیها از یک سو و زیان فقدان موجودیهای کافی (هزینه فرصت از دست رفته) از سوی دیگر ایجاد کنند. تصمیم‌گیرهای مدیریت در رابطه با سرمایه‌گذاری در موجودیها دارای ریسک می‌باشد و بر بازده سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد.

انجمن حسابداران خبره آمریکا مراقب است تا مدیریت زیانهای نگهداری، زیانهای فرصت و کاهش در انتظارات را گزارش کند و همچنین گزارش مربوط به سودهای نگهداری را معمولاً تا موقع فروش به تأخیر بیندازد.

ارزش جایگزینی، سود ناشی از عملکرد را با سود و زیان ناشی از نگهداری موجودیها تفکیک می‌نماید.

پروفسور «هندریکسن» برای بکارگیری ارزش جاری جهت ارزیابی موجودی دلایلی را به شرح زیر عنوان نموده است:^۱

۱- تطابق ارزشهای ورودی جاری با درآمدهای جاری جهت اندازه گیری نتایج عملیات جاری.

۲- سود و زیانهای نگهداری را شناسایی می نماید، بنابراین، نتایج تصمیمات مدیریت در مورد موجودیها و تأثیر محیط بر شرکت را نشان می دهد.

۳- بیانگر ارزش جاری موجودیها در پایان دوره می باشد (اگر شرکت هنوز کالا تحصیل می کند و همچنین خالص ارزش بازیافتنی قابل استفاده نمی باشد).

به اعتقاد پروفسور بلکوئی:^۲ «ارزش جایگزینی بر اساس مفهوم حفظ سرمایه بر حسب قدرت تولید می باشد و ارقام صورت سود و زیان بر حسب تعداد پول، و دارائیهها بر حسب قدرت خرید عمومی اندازه گیری می شوند. در نتیجه صورتهای مالی تهیه شده بر این اساس قابل فهم هستند».

آن عده از اعضای کمیته استانداردها و مفاهیم حسابداری "A. A. A." که روش صورت حساب واحد (منفرد)^۳ را نسبت به گزارش برای مقاصد عمومی^۴ ترجیح می دهند، بر این عقیده اند که ارزش جایگزینی باید به عنوان مبنای اولیه اندازه گیری موجودی محسوب گردد. اکثریت اعضای این کمیته معتقدند که:

«ارزش جایگزینی یک مفهوم ارجحتر از شیوه اندازه گیری است».

گزارش با معنی تر هنگامی بدست می آید که بهای تمام شده تاریخی نیز افشا شود. علاوه بر این، در بسیاری از شرکتها و صنایع، سود و زیان نگهداری بی اهمیت و ناچیز هستند، در این صورت بهای تمام شده تاریخی جایگزینی عملی محسوب می گردد.

1- Hendriksen Eldon S. "Accounting Theory", Chap 13.

2- Belkaoui, "Accounting Theory", 1982. Chap 13.

3- A Single Set of Financial Statements.

4- General Purpose Reporting.

بنابر این در عمل، این روش گزارش‌هایی در هر دو مورد یعنی ارزش جایگزینی و بهای تمام شده تاریخی ارائه می‌دهد.

در سال ۱۹۵۷ "A. A. A." طی بیانیه‌ای تحت عنوان «استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی واحد تجاری» چنین بیان نمود:^۱

«بهترین روش اندازه‌گیری بهای تمام شده کالای فروش رفته باید سه هدف مربوط زیر را برآورده نماید.

۱- گزارش بهای تمام شده محصولات فروش رفته در طی دوره بر حسب قیمت‌های جاری.

۲- گزارش بهای تمام شده موجودیهای پایان دوره بر حسب قیمت‌های جاری.

۳- شناسایی سود یا زیانهای ناشی از تغییر قیمت‌ها».

افشای بهای تمام شده تاریخی و ارزش جایگزینی سبب تسهیل ارزیابی وضعیت واحد تجاری می‌گردد و نیز قابلیت مقایسه بیشتری را موجب می‌شود. زیرا ارزش جایگزینی مبنایی را ارائه می‌دهد که می‌تواند برای مقایسه انواع روشهای بهای تمام شده تاریخی و تطابق هزینه و درآمد مورد استفاده قرار گیرد.

در سال ۱۹۶۶ "A. A. A." نیز صورتهای مالی بر مبنای ارزش جاری را به عنوان مکملی برای صورتهای مالی بر مبنای بهای تمام شده تاریخی مناسب دانست.

با توجه به مطالب فوق، بخش اعظمی از دلایل ارائه شده از سوی اعضای کمیته مذکور، نمایانگر انحراف اساسی از روشهای پذیرفته شده قراردادی اندازه‌گیری موجودیها نمی‌باشد. ارزشهای جایگزینی به عنوان بخشی از روش اقل قیمت تمام شده یا قیمت بازار مورد استفاده قرار گرفته است و تا زمانی که مقادیر محاسبه شده از طریق ارزش جایگزینی قابلیت اتکاء داشته باشد، توصیه می‌گردد که از این روش حتی اگر مبالغ محاسبه شده از بهای تحصیل دارائی بیشتر گردد نیز مورد استفاد قرار گیرد.

از آنجایی که مشکلات عملی بسیاری در استفاده از مفهوم ارزش جایگزینی وجود دارد،

1- A. A. A.; "Accounting and Reporting Standards for Corporate Financial Statement", 1957, Revision.

می‌توان از فرایند «برآورد» و «نمونه‌گیری» جهت تسهیل ارزیابی استفاده نمود. مشکلات اساسی در ارزیابی داراییها از طریق این روش در شرکتهای تولیدی متجلی می‌شود، ولی در شرکتهای تجاری که اساس کار آنها بر خرید و فروش بنا شده است، استفاده از این روش قاعدتاً باید آسانتر باشد، زیرا که مبالغ مندرج در آخرین صورتحسابها را می‌توانند مبنای ارزشگذاری قرار دهند و در صورت لزوم می‌توانند آخرین قیمتها را از تولیدکنندگان استعلام نمایند. در شرکتهای تولیدی نیز جهت ارزیابی مواد خام می‌توانند از این روش به راحتی استفاده نمایند.

برای محاسبه بهای تمام شده کالای ساخته شده در شرکتهای تولیدی باید ارزش جاری تمامی اقلام تشکیل دهنده آن را بدست آورد. برای این کار ارزش جاری مواد خام و دستمزد کارگران را می‌توان به آسانی بر اساس آخرین نرخها محاسبه کرد ولی برای هزینه‌های غیر مستقیم، کار به این سادگی نبوده و احتمالاً بهترین روش، استفاده از شاخص قیمتها جهت تعدیل تغییرات قیمت در این نوع از هزینه‌ها می‌باشد.

خالص ارزش بازیافتنی^۱

یکی از مهمترین جنبه‌های تعیین سود، تطابق صحیح درآمد با بهای تمام شده یا سایر ارزشهای ورودی است. بنابراین هنگامی که در اندازه‌گیری موجودیها از ارزشهای خروجی استفاده می‌گردد، لازم است هزینه‌های اضافی تکمیل و فروش و وصول وجه در دوره‌ای که درآمد گزارش می‌شود، شناسایی گردد. یکی از راه‌های دستیابی به این هدف، این است که هزینه‌های برآوردی آتی (تکمیل و فروش) را از ارزشهای خروجی کسر کرد تا خالص ارزش بازیافتنی بدست آید.^۲

برداشت‌های گوناگونی از روش ارزش خالص بازیافتنی ارائه شده است که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرند.

1- Net Realizable Value.

2- Hendriksen Eldon S. "Accounting Theory", 1982, Chap 13.

برخی روش خالص ارزش بازیافتنی را بهترین مبنای اندازه‌گیری موجودی دانسته‌اند، زیرا که به خدمات اقتصادی مورد انتظار آتی به عنوان مبنای اساسی برای اندازه‌گیری دارایی تأکید دارد. روش خالص ارزش بازیافتنی، صریحاً خدمات اقتصادی مورد انتظار آتی را مستقل از بهای تمام شده تحصیل شناسایی می‌کند.

همانگونه که ذکر شد خالص ارزش بازیافتنی موجودی عبارت است از اندازه‌گیری درآمد مورد انتظار منهای هزینه‌های تکمیل و فروش و چنین فرض می‌شود که کل سود یا زیان منحصرأ از طریق فعالیتهای تحصیل (خرید یا تولید) واحد تجاری ناشی می‌شود. به عبارت دیگر چنانچه قیمت‌های فروش آتی، و هزینه‌های تکمیل و فروش دقیقاً با برآورد تاریخ اندازه‌گیری برابر باشند، سود و زیان نباید قبل از این تاریخ نشان داده شوند، مثلاً یکی از کاربردهای این روش، طبق فرض تداوم فعالیت برای ارزیابی مواد خام به شکل زیر عمل می‌شود:

ارقام به هزار ریال

۲۰۰	بهای تمام شده مواد خام (واقعی)
	ارزیابی مواد خام به روش خالص ارزش بازیافتنی:
۱۰۰۰	ناخالص ارزش بازیافتنی (برآوردی)
۷۰۰	هزینه تبدیل، فروش، اداری (برآوردی)
۳۰۰	خالص ارزش بازیافتنی (بدون تخفیف به علت زیان یا عدم اطمینان)

مورد دیگری از روش بازیافتنی که منطقی به نظر می‌رسد «کسر خالص ارزش بازیافتنی از سود عملیاتی متعارف بر فعالیتهایی که اجراء نشده‌اند»، می‌باشد. این مطلب گویای آن است که سود عملیاتی زمانی که هر مرحله از تولید کالا یا خدمات به اتمام رسیده باشد، بدست می‌آید. مثال زیر با استفاده از اطلاعات مشابه اطلاعات مثال قبل عبارت است از:

ارقام به هزار ریال

۹۰۰	بهای تمام شده مواد خام، تبدیل، فروش، اداری
۱۰۰	سود عملیاتی متعارف

۱۰۰۰		قیمت فروش
$1000 : 900 = \frac{1}{9}$		نسبت سود عملیاتی به هزینه‌ها
		تخصیص سود عملیاتی:
۲۲	$200 \times \frac{1}{9}$	تحصیل یا نگهداری مواد خام در تاریخ موجودی
۷۸		تکمیل و فروش بعدی $700 \times \frac{1}{9}$
۳۰۰		خالص ارزش بازیافتنی مواد خام (همانگونه که در مثال قبل نشان داده شده)
		کسر می‌شود:
۷۸		سود عملیاتی قابل اعمال برای فعالیت‌هایی که هنوز اجرا نشده‌اند
<hr style="width: 50%; margin-left: auto; margin-right: 0;"/>		تکمیل و فروش
<u>۲۲۲</u>		ارزش مواد خام

در ابتدا دستیابی به درک کلی این مفهوم بسیار دشوار است، زیرا اغلب مثالها در مورد تخصیص سود عملیاتی به عملیات مربوط به خرید، تولید، بازاریابی ممکن است مستلزم مفروضات باشد. به عنوان مثال، یکی از فرضیه‌هایی که احتمالاً مورد استفاده قرار می‌گیرد (همانطور که در مثال قبل نشان داده شد)، این است که کلیه هزینه‌ها افزایش بهای یکسانی دارند. این فرض ممکن است ساده باشد، اما واقعی بودنش زیر سؤال می‌رود.

مورد دیگری از خالص ارزش بازیافتنی، «خالص ارزش بازیافتنی منهای سود عملیاتی متعارف»^۱ نامیده می‌شود. گرچه بسیاری از نویسندگان نتایج این روش را با ارزیابی‌های سنتی بر اساس بهای تمام شده تاریخی یکسان می‌دانند، ولیکن ممکن است در مواردی به نتایج متفاوتی برسد. به عنوان مثال، روشهای بهای تمام شده تاریخی به ارزیابی‌هایی یکسان با هزینه‌های تولید منجر می‌گردند، حال آنکه ممکن است روش خالص ارزش بازیافتنی منهای سود عملیاتی به آسانی در جایی بین هزینه‌های تولید و قیمت‌های فروش نهایی قرار گیرد. محاسبات مربوط به اندازه‌گیری موجودی به هزینه‌های تحصیل، فروش و اداری و نوسانات

1- Net Realizable Value Less Normal Operating Income.

در قیمت‌های فروش بستگی دارد. به عنوان مثال اطلاعاتی مشابه اطلاعات مثال قبل را در نظر می‌گیریم. با این تفاوت که تمام کالاها فروش رفته‌اند و فقط ۵ درصد کمیسیون فروش از هزینه مورد انتظار فروش وجود دارد یعنی:

ارقام به هزار ریال

۱۰۰۰	قیمت فروش مورد انتظار
۵۰	کسر می‌شود: کمیسیون فروش ۵٪
<u>۱۰۰</u>	سود عملیاتی متعارف
<u><u>۸۵۰</u></u>	خالص ارزش بازیافتنی منهای سود عملیاتی متعارف

این روش عمدتاً بر اساس قدرت بازار است و ممکن است با محاسبات بهای تمام شده تاریخی مطابقت نداشته باشد. به عنوان مثال، اگر قیمت‌های فروش با ارزش جایگزینی هماهنگ رفتار کنند، خالص ارزش بازیافتنی منهای سود متعارف می‌تواند به ارزش جایگزینی نزدیکتر از بهای تمام شده تاریخی باشد. بنابر این، چون این روش خالص ارزش بازیافتنی، سود عملیاتی را قبل از فروش شناسایی نمی‌کند، پس نزدیکترین روش به روش حسابداری سنتی است.

هرگاه در فرایند ایجاد درآمد، فعالیت مربوط به توزیع و فروش با اهمیت باشد، استفاده از روش خالص ارزش بازیافتنی توصیه می‌گردد. در شرایط استثنایی، اقلامی از موجودیها ممکن است به قیمت فروش ارزیابی شود. اینگونه شرایط از لحاظ انطباق با اصول پذیرفته شده حسابداری به شرح زیر است:

معمولاً درآمد تنها هنگام فروش تحقق می‌یابد. بنابر این هیچگونه سودی نباید از طریق انعکاس دارائیه‌ها به قیمت‌های جاری فروش شناسایی شود. اما در مورد برخی اقسام، استثنائاتی مجاز شناخته شده است. معمولاً موجودیهای فلزات گرانبها، یا محصولات کشاورزی در مواردی که دارای ارزش تثبیت شده باشد به نحو مؤثری توسط دولت کنترل می‌شود، به قیمت‌های فروش ارزشگذاری می‌گردند. همینطور در مورد محصولات کانی. ارزش موجودیهای مذکور، هنگامی که به قیمت فروش ارزشگذاری می‌شوند، باید معادل هزینه‌های

برآوردی فروش کاهش داده شود. کلیه اطلاعات مربوط به بکارگیری چنین مبنایی باید به طور کامل در صورتهای مالی افشا شود.

«موریتس» و «اسپروس» برای استفاده از این روش دو شرط را مطرح ساخته‌اند:^۱

۱- موجودیها به سهولت با قیمتهای مشخص قابل فروش باشند.

۲- هزینه‌های اضافی به سهولت قابل پیش‌بینی باشند.

به طور کلی روش خالص ارزش بازیافتنی غیر عملی بوده و برای استفاده عمومی توصیه نمی‌شود. مهمترین اشکال این روش مسأله اندازه‌گیری است، زیرا برآوردهای معقول بسیاری از جمله، درآمد مورد انتظار، هزینه‌های مورد انتظار و تخصیص سود ناخالص بین عوامل توزیع و فروش جهت اجرای این روش مورد نیاز است.

اگر قیمتهای فروش در هماهنگی با ارزش جایگزینی نوسان داشته باشد روش ارزش جایگزینی عموماً یک تقریب معقول از خالص ارزش بازیافتنی منهای سود عملیاتی متعارف بدست می‌دهد. بنابراین ارزش جایگزینی می‌تواند به طور کلی معیار عملی و نظری را ساده‌تر از خالص ارزش بازیافتنی برآورده نماید.

مسأله شناسایی^۲

سود یا زیانهای نگهداری شناسایی شده‌اند یا خیر؟

پاسخ این پرسش به بررسی منطقی مفاهیم گوناگون سود خالص، در نظر گرفتن اهمیت گزارش سود یا زیانهای نگهداری، و همچنین تعریفها و معانی مختلفی که از شناسایی سود در دست است و هدف اولیه که همانا افشای کامل اطلاعات مفید می‌باشد، بستگی دارد. در حال حاضر برای شناسایی زیانها معیار کلی وجود ندارد. برای مثال، قاعده اقل قیمت تمام شده یا بازار برای زیانهای ناشی از عواملی از قبیل، فرسودگی، خرابی و تغییر قیمت موجودیها اعمال

1- Robert T. Sprouse and Maurice Mooritz, "A Tentative Set of Board Accounting Principles for Business Enterprises", *Accounting Research*, 1962, P. 27.

2- Realization

می‌گردد. در صورتی که زیانهای ناشی از فرسودگی و خرابی با زیانهای ناشی از تغییر قیمتها تفاوت دارد. بی‌شک کالاهای فرسوده، جایگزین نخواهند شد و باید برای ارزیابی این گونه کالاها از خالص ارزش بازیافتی به جای بهای تمام شده استفاده نمود. همچنین اغلب، ارزش جایگزینی کالاهای فرسوده یا خسارت دیده را نمی‌توان به طور دقیق و معقول تعیین کرد. لذا در این موارد ارزش جایگزینی کاربرد ندارد. بسیاری از حسابداران بکارگیری قاعده اقل بهای تمام شده یا بازار را نسبت به زیان کاهش ارزش موجودیها که ناشی از عملیات عادی تجاری از قبیل از مد افتادگی یا تغییر در روند تقاضا و انتظارات مشتریان است، بکار می‌برند. بدیهی است که زیانهای کاهش ارزش موجودی باید در دوره‌ای که زیان رخ داده، شناسایی گردد و نه در دوره‌ای که فروش انجام شده است. بسیاری از حسابداران تحت چنین شرایطی با تعدیلات کاهش ارزش بهای تمام شده موجودیها مخالفند و این به دلیل تناقض حسابداری در مورد این سود و زیان می‌باشد.

در سال ۱۹۵۷ "A. A. A." در بیانیه‌ای شناسایی را این چنین تعریف می‌نماید: «مفهوم اساسی شناسایی این است که تغییر در یک دارائی یا بدهی «به اندازه کافی قطعی و عینی» شود تا بتوان آن را در حسابها شناسایی کرد». صاحب‌نظران حسابداری نیز به کاهش ارزش ناشی از تغییر قیمتها که «به اندازه کافی عینی و قطعی» شده و بتوان در حسابها شناسایی و ثبت کرد، اشاره دارند.

فرهنگ کهلر شناسایی را به شرح زیر تعریف می‌کند: «مفهومی است که تشخیص حسابداری در مورد یک معامله از قبیل کالاها یا خدمات فروخته شده را بیان می‌کند، البته زمانی که به یک جریان ورودی یا خروجی از وجه نقد یا معادل وجه نقد منتج گردد».

شرط کامل بودن فرایند کسب سود در زمان فروش مبتنی بر این واقعیت است که در این زمان امکان دسترسی به اطلاعات لازم درباره جریان ورود وجه نقد یا دارائی دیگر به واحد تجاری فروشنده به گونه‌ای معقول و قابل اتکاء فراهم می‌شود.

«فیرمین»، «هیپ ورث» و «ویکسون»، سه عضو کمیته "A. A. A." معتقدند که: مدارک و

شواهد نشان دهنده ارزش جایگزینی برای شناسایی سود و زیانهای نگهداری موجودیها به اندازه کافی قطعی و معین و عینی است. به اعتقاد این اعضاء «شواهد عینی و قابل رسیدگی» در پایان یک دوره حسابداری بیان می‌کند که ارزش جایگزینی موجودیها، چه بالا باشد و چه پایین، با قیمت تمام شده تحصیل دارائی به طور قابل ملاحظه‌ای تفاوت دارد که باید تأثیر این تفاوت بر سود دوره‌ای و وضعیت مالی گزارش شود. به عبارت دیگر سود و زیانهای نگهداری ناشی از تغییر قیمتها باید در همان دوره‌هایی که روی می‌دهند، گزارش شوند. تنها از این طریق اصل تطابق هزینه و درآمد اجرا می‌گردد.

از طرف دیگر، سه عضو "A. A. A." «هورنگرن»، «ماتز» و «زلاتکویچ» معتقدند که سود و زیانهای نگهداری کالاها باید تا زمان فروش آنها، شناسایی نگردند. گرچه آنها گزارش سود و زیانهای قابل ملاحظه و با اهمیت را در مواقعی که اندازه‌گیری معقول باشد، مورد حمایت و تشویق قرار می‌دهند، اما معیار شناسایی را به گونه‌ای متفاوت تعبیر می‌کنند.

از آنجایی که انجام هر یک از مراحل فرایند کسب سود از لحاظ تحقق درآمد ضروری است، حسابداران درآمد را عموماً هنگام فروش دارائیه‌ها یا ارائه خدمات شناسایی می‌کنند و این بدین دلیل نیست که سود عملیاتی به هنگام فروش بوجود می‌آید، بلکه مبتنی بر این واقعیت است که زمان وقوع مبادله، عملی‌ترین زمان «عینیت و قابلیت رسیدگی»، شناخت و اندازه‌گیری درآمد می‌باشد. اندازه‌گیری درآمد، مجموعه‌ای از خدمات است که به طور کلی مجزا کردن آن کاری دشوار است، بنابراین برای صورتهای مالی برای مقاصد عمومی، سود و زیانهای نگهداری مربوط به موجودیهای پایان دوره مانند اندازه‌گیری آزمایشی یا طی سال سودمند می‌باشد اما نهایی نیستند.

«فیرمین»، «هیپ ورث» و «ویکسون» معتقدند که سود و زیانهای نگهداری باید شناسایی شوند و همچنین معیار فوق‌سنجش مناسبی از سود و زیان در رابطه با تداوم فعالیت نمی‌باشد. آنها اعتبار بازار را به عنوان یک معیار عینی می‌پذیرند، اما عقیده دارند که این معیار در معامله واقعی و حقیقی شرکت با یک شخص خارج از شرکت، برای فراهم کردن مدرک معتبری از قیمت بازار، ضروری نیست. انتظار تا زمان فروش واقعی به شناسایی سودهایی منجر می‌گردد که ممکن است به تعیین سود خالص دوره‌ای نادرست منتهی گردد. اگر سود و

زیانهای نگهداری حامل اطلاعات مهمی برای استفاده کنندگان صورتهای مالی باشد، چنین اطلاعاتی را باید در زمان وقوع، گزارش نموده و از سود و زیانهای ناشی از معامله (تجاری) مجزا کرد. البته تغییرات بعدی قیمت ممکن است سود یا زیانهای اینگونه را از بین ببرد، اما چنین رویدادهایی در دوره‌های خاص حسابداری نیز روی می‌دهند. تا زمانی که فعالیتهای مداوم مؤسسات حسابداری به منظور ارائه گزارش به دوره‌های زمانی تقسیم می‌شود، کلیه تغییرات مهم قابل سنجش در دارائیه‌ها و حقوق صاحبان سهام باید در همان دوره‌هایی که روی می‌دهند، گزارش شوند.

سه تن از طرفداران معیار شناسایی یعنی هورنگرن، ماتز و زلاتکویچ با گزارش کلیه تغییرات مهم در دارائیه‌ها و حقوق صاحبان سهام در دوره‌ای که رخ می‌دهند، موافقت می‌کنند. آنها بر این باورند که اطلاعات کافی در ارتباط با تغییرات مهم را می‌توان با تفسیر سنتی از معیار شناسایی و نیز روشهای دیگر افشا نمود. علاوه بر این، معیار شناسایی و درجه‌بندی بی‌طرفانه‌ای را در درون سیستم گزارشگری بوجود می‌آورد. گرچه چنین تفسیری از شناسایی، چهارچوب تئوری و فرایند گزارشگری را پیچیده می‌سازد، اما اساس نظری آن با تشریح قابل دفاع است و عینیت بالاتر آن بسیار مطلوب بوده و وسعت سودمندی عملی آن، متقاعد کننده است.

ضرورت‌های افشا

جهت دستیابی به اهداف بلندمدت این گزارش و همچنین با بررسی عوامل کوتاه مدت، موارد زیر را جهت افشا حقایق برای موجودیها مطرح می‌شود:

۱- موجودیها باید در زمره طبقات اصلی طبقه‌بندی شوند و شرح مختصری از جزئیات و روشهای بکار گرفته شده برای ارزشیابی موجودیها (مانند اولین صادره از اولین وارده و هزینه‌های استاندارد جاری موجود) ارائه گردد.

۲- در صورت امکان، مقادیر فیزیکی نیز باید افشاء شوند به این طریق تجزیه و تحلیل قیمت و مقدار ساده‌تر می‌شود.

۳- همانطور که گفته شده، تعیین ارزش موجودی بر اساس روش اولین صادره از آخرین

وارده عمدتاً قابل قبول نیست. به هر حال، هر گاه از این روش استفاده شود باید ارزش جاری جایگزینی افشاء گردد.

۴- زمانی که ذخایر موجودی به عنوان یک حساب کاهنده دارائی یا تخصیص سود تقسیم نشده مورد استفاده قرار گرفت، افشاء کامل منشاء، طبقه‌بندی و تغییرات سالیانه و تعدیلات آنها مطلوب است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

در سال ۱۹۵۷ "A. A. A." طی بیانیه‌ای تحت عنوان «استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی واحد تجاری» چنین بیان نمود:

بهترین اندازه‌گیری بهای تمام شده کالای فروش رفته باید سه هدف مرتبط زیر را تعقیب نماید:

۱- گزارش بهای تمام شده محصولات فروش رفته در طی دوره بر حسب قیمت‌های جاری.

۲- گزارش بهای تمام شده موجودیهای پایان دوره بر حسب قیمت‌های جاری.

۳- شناسایی سود یا زیانهای ناشی از تغییر قیمت‌ها.

با توجه به اهدافی که در بیانیه فوق مطرح گردید هیچگونه روش منحصر به فرد عملی برای اندازه‌گیری موجودیها که کاملاً نیز رضایتبخش باشد، ارائه نگردید. کمیته مفاهیم و استانداردها شیوه‌های مختلفی را برای حل این موضوع ارائه نموده است. اکثریت آنها معتقدند که ارزش جایگزینی بهترین راه، از میان تمامی راه‌ها برای اندازه‌گیری موجودیها می‌باشد و برای کمک به تفسیر آن، هم روش بهای تمام شده تاریخی و هم روش ارزش جایگزینی موجودیها باید در یک سری از صورتهای مالی افشاء شوند.

برخی دیگر از اعضای این کمیته معتقدند که مسائل مربوط به اندازه‌گیری موجودی و درآمد پیچیده‌تر از آن است که با انتخاب هر یک از روشهای قیمت‌گذاری موجودی حل شود. بنابر این، آنها «روش صورتحساب چندگانه» همراه با صورتهای تکمیلی صورت سود و زیان و ترازنامه مبتنی بر مبناهای مختلف اندازه‌گیری که یک جا ارائه می‌شوند و می‌توانند خواننده را از تأثیرات روشهای اندازه‌گیری متخذه آگاه نمایند، را پیشنهاد می‌کنند.

با توجه به اهداف بیان شده توسط A. A. A. و روشهای مختلف ارزیابی موجودیها، به نظر می‌رسد از لحاظ تئوریک کاملترین روش، روش جایگزینی باشد، لیکن استفاده از این روش با مشکلات عدیده‌ای همراه است و در عمل یافتن ارزشهای جاری برای کلیه اقلام موجودی بسیار مشکل و پرهزینه است، لذا شاید بتوان اظهار نمود که تا زمانی که یافتن اطلاعات مربوط به قیمت‌های جاری مشکل است، استفاده از قیمت‌های تاریخی عملی‌ترین روش جهت ارزیابی موجودیها می‌باشد. البته باید به این موضوع نیز توجه کرد که حتی‌المقدور استفاده از روش جایگزینی مورد توصیه قرار گیرد. برای مثال برای موجودیهای مواد خام یا موجودی کالای خریداری شده از خارج از شرکت به راحتی می‌توان از روش جایگزینی استفاده کرد.

منابع و مأخذ

- 1- Hendriksen Eldon S., "Accounting Theory", Richard D. Irwin. 1982, Chp 13.
- 2- Belkaoui, "Accounting Theory", Chp 9. HBJ., 1985.
- 3- Committee on Concepts and Standards, Inventory Measurement, A.A.A. No. 2, Accounting Review, (July, 1964), PP. 700-714.
- 4- W.W. Cooper and Yuji Ijiri, "Kohler's Dictionary for Accountants".
- 5- FASB (Financial Accounting Standard Board) No, 33.
- 6- Accounting Research Bulletin, No. 43, AICPA.